یادداشت

نگاهی به رباعیات تصویری ایرج زبردست

شاهرخ جوکار

کلایوبل در کتاب «هنر» خود، با رویکردی تند و افراطی مبدع شعاری می‌شود با عنوان «شکل معنی‌انگیز!» این شکل معنی‌انگیز را در نقد، قاعدتا باید برای آثاری به کار گرفت که به‌راستی هم شکل باشد و هم معنی‌انگیز؛ و من این را به‌درستی در رباعیات تصویری ایرج زبردست دیده‌ام. رباعیات تصویری او بدون هیچ مبالغه‌ای، شایسته این توصیف فشرده در هنر و ادبیات است. شاعران، تا پیش از ایرج زبردست «کلمه» می‌آوردند تا تصویری بسازند یا طرحی نو افکنند؛ اما ایرج زبردست، با زبردستی ماهرانه‌ای تصویر می‌آورد و طرح نو می‌افکند تا «کلمه» تداعی کند و کلمه بسازد. شگرد هنری او در رباعیات، به‌کارگیری هم‌زمان زبان الفبایی و زبان هیروگلیفی است که در ادب معاصر پدیده‌ای نو است. او گویی تاریخ زبان را از مصر سده‌ها قبل از میلاد، تا زبان امروزین پارسی به هم پیوندی خجسته داده است. او در زیبایی‌شناسی زبان و شعر، یک فنومنولوژیست یا پدیدارشناس است؛ این‌گونه که معنای عناصر طبیعت را در ذهن خواننده و پیش چشم مخاطب، دست‌کاری ماهوی می‌کند و معناها را تغییر می‌دهد . استتیک‌شناسی او در «زبان و فرم»، از زاویه‌ای است که گویا از تمدنی دیگر آمده است. مثلا درخت و ابر، دیگر در شعر او محدود به درخت و ابر نیست؛ بلکه رسالت‌شان رساندن معناست و این دست‌کاری ادبی-هنری، رخنه در ذات عناصر طبیعت است. نوعی وحدت‌بخشی هنری بین «زبان» و «طبیعت»، نوعی رازوارگی را بین انسان و طبیعت ایجاد می‌کند که نبوغی هنری می‌خواهد. ایرج زبردست، گیوم آپولینر یا جریان‌ساز کوبیسم در ادبیات پارسی است؛ زیرا که او بود که با دست‌کاری زبان و فرم، شاعران را به نقاشان و شعر را به نقاشی نزدیک کرد. ایشان نیز با برهم‌زدن زبان و فرم، عادت ذهنی خواننده را به طرز شگفت‌انگیزی تغییر داد؛ به طوری که خواننده شعر او هم‌زمان هم نقاشی را تماشا می‌کند و هم شعر می‌خواند. اینکه عناصر طبیعت، ممکن است برای هدفی خاص به وجود آمده باشند یا نه، ما نمی‌دانیم؛ اما این عناصر در شعر ایشان با هدف معناسازی آورده می‌شوند و چه زیباتر از اینکه هنرمندی به هر شکل، کارش معناسازی باشد. بُعد ناتورالیسمی او آن‌گونه با محیط و پدیده‌های اطراف به وحدت می‌رسد، که گویی ایرج زبردست درون درخت و پرنده و... حلول کرده است؛ یا بر عکس، این طبیعت است که درون او حلول کرده و صیقل خورده است و دوباره به عالم ناسوت برگشته است. درباره صیقل‌خوردگی عناصر طبیعت و محیط همین بس که پیام‌رسان معنا شده‌اند. رسالت‌شان از حالت وجودی محض به حالت انسانی درآمده‌اند. رازوارگی شخصیت ادبی-هنری او با نقد روان‌شناسانه، من را به یاد این مصراع حافظ می‌اندازد: «چیست این سقف بلند ساده بسیار نقش!» آری، او در رباعی یک «ساده بسیار نقش» است که این خود، موهبتی است و امید که هم خودش و هم خواننده‌اش قدر این موهبت را بدانند.

پیش‌دبستانی اجباری عدالت آموزشی یا شتاب‌زدگی تربیتی؟

حجت‌اله طالبیان بروجنی

طرحی که این روزها در مجلس شورای اسلامی در حال بررسی است، نقطه آغاز آموزش رسمی در ایران را از شش‌سالگی به پنج‌سالگی منتقل می‌کند. براساس این پیشنهاد، کودکان یک سال زودتر وارد مدرسه می‌شوند و به همان نسبت یک سال زودتر وارد دانشگاه و بازار کار خواهند شد. ساختار آموزشی جدید، موسوم به «۳-۳-۵-۱»، همچنان بر ۱۲ سال تحصیل استوار است، اما عملا یک سال از کودکی رسمی دانش‌آموزان کاسته خواهد شد.

حامیان این طرح بر دو محور تأکید دارند: نخست، عدالت آموزشی؛ زیرا بسیاری از خانواده‌ها به دلیل هزینه‌ها از ثبت‌نام فرزند خود در پیش‌دبستانی محروم‌اند. دوم، ارتقای کیفیت؛ زیرا آموزش و پرورش معتقد است بسیاری از مشکلات یادگیری در دبستان ریشه در نگذراندن این دوره دارد. کمیسیون آموزش مجلس نیز با لحنی آشکارا اقتصادی استدلال می‌کند که دانش‌آموزان یک سال زودتر به دانشگاه و سپس بازار کار می‌رسند و این به سود کشور خواهد بود.

اما منتقدان این نگاه را خطرناک می‌دانند. به باور بسیاری از کارشناسان، آموزش رسمی زودهنگام با ویژگی‌های رشدی و روانی کودکان پنج‌ساله همخوان نیست. در این سن، کودک نیازمند بازی، تعامل عاطفی و کشف محیط است؛ نه نشستن پشت نیمکت و حل تکالیف. ورود زودهنگام به آموزش رسمی، فارغ از نیت طراحان، می‌تواند به اضطراب، دلزدگی و فرسودگی تحصیلی بینجامد و در بلندمدت استعداد خلاق نسل آینده را فرسوده کند.

مسئله اصلی اینجاست: آیا پیش‌دبستانی اجباری قرار است به معنای «یک سال دبستان بیشتر» باشد یا «یک سال کودکی متفاوت و بازی‌محور»؟ پاسخ به این پرسش تعیین می‌کند که طرح به فرصت بدل شود یا به تهدید. برای آنکه این تغییر به نفع کودکان تمام شود، سه شرط اساسی وجود دارد:

- نخست، نیروی انسانی متخصص؛ یعنی مربیانی که روان‌شناسی رشد، آموزش غیرمستقیم و کار با کودک را آموخته‌اند، نه معلمانی که صرفا روش‌های رسمی تدریس را تکرار می‌کنند.
- دوم، فضا و تجهیزات متناسب؛ کودک پنج‌ساله به اتاق بازی، فضای باز امن، گوشه‌های قصه و هنر نیاز دارد، نه نیمکت‌های فشرده و تخته‌های سیاه.
- سوم، منابع آموزشی متناسب؛ یعنی آموزش از مسیر بازی، قصه‌گویی و فعالیت‌های گروهی، نه کتاب و آزمون و تکلیف.

آیا آموزش و پرورش امروز ایران آمادگی تحقق این سه شرط را دارد؟ واقعیت آن است که نظام تربیت معلم هنوز برای پرورش مربیان متخصص در این حوزه بازنگری نشده است؛ مدارس با بحران کمبود فضا و تجهیزات ابتدایی روبه‌رو هستند؛ و منابع آموزشی نیز همچنان بر کتاب و تکلیف تأکید دارند. در چنین شرایطی، تبدیل پیش‌دبستانی به یک تجربه متفاوت و سازگار با سن کودک، بیش از آنکه در عمل تحقق‌یافتنی باشد، در حد یک آرزو باقی می‌ماند.

بدون این شروط، اجباری‌شدن پیش‌دبستانی چیزی جز تحمیل یک سال تحصیل خشک و زودهنگام نخواهد بود؛ تغییری که شاید عدالت آموزشی را روی کاغذ تقویت کند، اما در عمل کیفیت زندگی کودکان و سرمایه انسانی کشور را تضعیف خواهد کرد.

به بیان دیگر، بحث بر سر «شروع آموزش از پنج‌سالگی» نیست، بلکه بر سر «چگونگی آموزش» در این سن است.

سازندگان «چشم بادومی» از چگونگی ساخت و حواشی اکران آن گفتند

سینمای کودک و نوجوان نادیده گرفته می‌شود

فیلم سینمایی «چشم بادومی»، نخستین ساخته ابراهیم امینی در مقام کارگردان، یکی از فیلم‌های سی‌وهفتمین جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان است؛ اثری که سال گذشته برای نخستین بار در جشنواره فیلم فجر به اکران درآمد و با توجه به موضوع خاصی که داشت، توانست به جشنواره کودکان و نوجوانان نیز راه پیدا کند. به بهانه حضور این فیلم در جشنواره اصفهان، با ابراهیم امینی کارگردان، سجاد نصراللهی‌نسب تهیه‌کننده و ستایش دهقان، بازیگر نقش اصلی آن، گفت‌وگو کردیم.

در فیلم «چشم بادومی» با چه حال و هوایی مواجه هستیم؟

ابراهیم امینی: چشم بادومی داستان یک دختر نوجوان اهل شیراز است که دلبسته موسیقی کی‌پاپ و یکی از خواننده‌های این سبک است. او تلاش می‌کند به کره برود تا این خواننده را از نزدیک ببیند و این هدف چالش‌هایی را با خانواده‌اش پیش می‌آورد.

خودتان چقدر از قبل با این فضا آشنا بودید؟

ابراهیم امینی: آشنایی خاصی نداشتم ولی دوست داشتم با نوجوانان و برای آنها کار کنم. شاید برخلاف خیلی از هم‌نسلانم که این نسل را نقد می‌کنند، من راجع به آنها خوش‌بین هستم و دوست دارم باز هم برای‌شان کار کنم، چون فیلم‌ساختن برای آنها بهانه‌ای است که جهان‌شان را بهتر بشناسم. همچنین بعد از خواندن مصاحبه یک مدیر مدرسه که به کی‌پاپ علاقه‌مند شده بود، احساس کردم این سوژه و علاقه نسل امروز به این سبک موسیقی را ایده مرکزی فیلم قرار دهم.

بازیگر نقش اصلی را براساس چه فرمولی انتخاب کردید؟

ابراهیم امینی: ستایش دهقان را پیش از چشم بادومی می‌شناختم. چند ماه قبل از این فیلم قرار بود یک سریال برای شبکه نمایش خانگی کار کنیم که ساخت آن منتفی شد. در آنجا نقش یک دختر نوجوان وجود داشت که قرار بود ستایش بازی کند و در نهایت نشد اما چون در ذهنم این کار را از قبل داشتم، وقتی ساخت «چشم بادومی» نهایی شد، اولین کسی که برای همکاری بدون تست‌گرفتن از او دعوت کردم، ستایش بود که برای نقش مائده انتخاب شد.

خانم دهقان، شما چقدر به شخصیت مائده شبیه بودید و چقدر دنیای او را می‌شناختید؟

ستایش دهقان: مائده اصلا به فضای خودم نزدیک نبود و کاراکترش با من بسیار متفاوت بود. به‌همین‌دلیل درآوردن این نقش چالش‌های خاص خودش را داشت. من می‌دانستم آدم‌های زیادی در ایران طرفدار «کی‌پاپ» و «کی‌دراما» هستند، ولی خودم جزء آنها نبودم اما در دوستانم چند نفری جزءشان بودند. وقتی این کار جدی شد، به سراغ دوستانم رفتم و با دنیای‌شان آشنا شدم. با آنها صحبت کردم، اصطلاحات تخصصی‌شان را یاد گرفتم، موزیک‌ها و کنسرت‌های کره‌ای را پیگیری می‌کردم و تلاش کردم اطلاعاتم را به‌روز کنم.

بازی در نقش مائده برای شما چه دشواری‌هایی داشت؟

ستایش دهقان: حجم برون‌ریزی‌های مائده برای من بزرگ‌ترین چالش در این نقش بود. ولی با آن کنار آمدم. همان‌طورکه گفتم، این شخصیت اصلا شبیه به من نیست، البته من درون‌گرا نیستم، ولی این حجم از برون‌ریزی را هم هیچ‌وقت نداشتم. به‌ویژه سکانسی که در انباری داشت، جزء سخت‌ترین سکانس‌هایی بود که در کل این پروژه بازی کردم. البته در این کار همکاری خوبی هم با بقیه بازیگران داشتم که شرایط را برای کارکردن بهتر می‌کرد، ارتباطم با بقیه بازیگران خیلی خوب بود، آقای مهدی هاشمی، خانم ساره بیات و ماهور که دختر کوچولوی این فیلم بود. به‌ویژه آقای هاشمی که کارکردن با او تجربه فوق‌العاده‌ای بود، اصلا در کار سخت نمی‌گرفت و این به من هم کمک می‌کرد.

آقای امینی بازیگر نقش اصلی را گفتید، مابقی تیم بازیگری چطور؟ چند درصد از آنها انتخاب‌های اول شما برای این نقش‌ها بودند؟

ابراهیم امینی: کل تیم بازیگران کسانی بودند که دوست داشتم از قبل با آنها کار کنم و در اصل بازیگران مورد علاقه من بودند. من سابقه بازی‌گردانی دارم و کارم تا سال‌ها در سینما انتخاب بازیگر بوده و پایان‌نامه ارشدم هم هدایت بازیگر است، پس این مسئله جزء علایق من بوده و به‌همین‌دلیل این بخش فرایند دلچسبی داشت. شاید برای برخی کلافه‌کننده باشد ولی برای من اصلا این‌گونه نیست و از پیش‌تولید تا پایان سعی می‌کنم با تمام بازیگران رابطه خوبی داشته باشم و از جنبه‌های شخصیتی آنها برای ارتباط‌گرفتن استفاده کنم، چون هر بازیگری یک محدوده توانایی‌هایی دارد و یک چیزهایی برایش راحت‌تر است و برخی مسائل سخت‌تر. من معتقدم روح بازیگر در نقش حلول می‌کند و ما نمی‌توانیم مانع این مسئله شویم و این موضوع خیلی در انتخاب بازیگر مهم است و باید بدانیم یک بازیگر با چه ویژگی‌هایی قرار است این نقش را ایفا کند.

حالا کمی ریزتر وارد فضای فیلم شویم. ما در بخش‌هایی از «چشم بادومی» کافه‌ای می‌بینیم که مختص «کی‌پاپر»ها است یا جایی مخصوص عزاداری برای خواننده محبوب‌شان دارند. چنین چیزهایی در واقعیت هم وجود دارد یا در فیلم اغراق شده؟

ابراهیم امینی: این گروه از افراد پاتوق‌هایی مختص خودشان دارند، گردهمایی‌های اختصاصی دارند، حتی آن کنسرت آنلاین که اول فیلم وجود دارد و خیلی از مسائل دیگر که به آنها اشاره شده، مابازای بیرونی دارد. پژوهشگر ما خانم میترا احمدی پنج، شش ماه روی این گروه از افراد کار کرد، چون متریال رسمی درباره این بچه‌ها وجود ندارد. از طرف دیگر بین آنها نیز بی‌اعتمادی زیادی درباره منابع رسمی و ما که به نوعی در فضای رسمی کار می‌کنیم، وجود دارد، این مسئله باعث شد پژوهشگران قبلی ما را نپذیرند و در جمع‌شان راه ندهند اما پژوهشگر جدیدمان توانست خودش را به‌عنوان یک علاقه‌مند جدید به کی‌پاپ جا بزند و در میان آنها رفت‌وآمد کند، البته اواخر پژوهش لو رفت و او را بیرون کردند ولی ما کارمان به نتیجه رسیده بود.

فیلم شما پیش از جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان در فجر هم به نمایش درآمد. پس از این اکران محدود چه بازخوردهایی گرفتید؟

ابراهیم امینی: بازخوردها خدا را شکر خیلی خوب بود. البته بخشی از بچه‌های «کی‌پاپ» که فیلم را ندیده بودند، واکنش خوبی نداشتند و از سمت آنها بازخورد منفی داشتیم. بعد از انتشار تیزر فیلم، در شبکه‌های اجتماعی خیلی از نوجوان‌های علاقه‌مند به این سبک موسیقی در برابر فیلم گارد گرفتند، اگرچه من در آنجا سعی کردم مستقیم با آنها گفت‌وگو کنم و چند نفرشان هم در دایرکت ما را با الفاظی مورد لطف قرار می‌دادند. با این حال تمام تلاشم را داشتم که با لطافت با آنها گفت‌وگو کنم و از آنها خواستم ابتدا فیلم را ببینند و بعد آن را نقد کنند. خیلی‌ها فقط تیزر کار را دیده بودند یا موضوع را فهمیده بودند و می‌گفتند چرا درباره فلان ستاره موسیقی کره فیلم ساختید و از فضای طرفداران کی‌پاپ بد گفتید. درحالی‌که منظر روایت و قضاوتی ما بیشتر نقد به رفتار بزرگ‌ترها بود و اگر هم بحث طرف‌گیری باشد، من سمت نوجوان‌ها هستم و بیشتر پدر و مادرها نقد می‌شوند. آنها هستند که در پایان قرار است یک قدم به سمت بچه‌ها بردارند و خودشان را تصحیح کنند و قرار نیست گفته شود بچه‌ها خود را اصلاح کنند.

ستایش دهقان: من هم بازخوردهای منفی درباره این فیلم داشته‌ام و خیلی از «کی‌پاپر»ها که فیلم را ندیده بودند، صرفا به خاطر قضاوت و تحت تأثیر یک‌سری نظرات و تیزر فیلم و... به من حمله می‌کردند و در این مدت پیام‌های منفی هم دریافت کردم.

در این شرایط و با وجود نظرات مثبت و منفی، فیلم شما قرار است در جشنواره‌ای اکران شود که مخاطبان نوجوان زیادی دارد و در آنجا ممکن است که طرفداران موسیقی پاپ کره‌ای در جشنواره باشند. فکر می‌کنید در آنجا چه برخوردی با فیلم شما می‌شود؟

ابراهیم امینی: پیش‌بینی خاصی راجع به حضور در این رویداد ندارم. این اولین‌بار است که در این جشنواره هستم و شناخت دست‌اول و نزدیکی از حال‌وهوای جشنواره و اتمسفر مخاطبان ندارم، ولی تجربه هیجان‌انگیزی است و فارغ از هر اتفاقی که رخ دهد، دوست دارم در آن حضور داشته باشم. به نظرم در جشنواره‌ها مهم‌تر از جوایز، نفس حضور و در کنار هم بودن اهالی سینماست که این برایم خیلی خوشحال‌کننده است.

ستایش دهقان: من هم ایده‌ای ندارم که قرار است چه شود، ولی امیدوارم آنجا اتفاقات خوبی برای فیلم رخ دهد. من آمادگی برخورد با طرفداران کی‌پاپ را دارم. البته در این مدت هم افرادی بودند که فیلم را دیدند و بعد با من صحبت کردند، مثلا چند وقت پیش یک خانم چادری بود که سن بیشتری از من داشت و اتفاقا بازخورد مثبتی داشت و حتی از طرف بچه‌هایی که به من حمله کرده بودند، عذرخواهی کرد.

آنهایی که نقد داشتند، دلیلش را هم می‌گفتند؟

ستایش دهقان: مثلا اعتراض می‌کردند که چرا شخصیت مائده این‌قدر در طرفداری زیاده‌روی می‌کند و واقعیت این نیست، ولی به هر حال این قصه است و داستان یک طرفدار افراطی این سبک موسیقی است، نه یک طرفدار معمولی.

سجاد نصراللهی‌نسب: نازنین دوست مائده در فیلم، کی‌پاپر است ولی درام ایجاب می‌کرد که ما به سراغ مائده برویم، چون یک کاراکتر منطقی و معقول که جنبه‌های مختلف زندگی‌اش مثبت است برای درام، سوژه محبوبی نیست. برعکس شخصیتی که دچار افراط می‌شود، کاراکتر مناسبی برای یک درام‌نویس است. هیچ درام‌نویسی نمی‌تواند برای نازنین قصه بنویسد، چون داستان باید افت‌وخیز، چالش و جذابیت داشته باشد. یک کاراکتر معمولی که هر روز یک رفتار ثابت دارد، جذابیتی برای تماشا ندارد و در آن زمینه، هر چیزی که بگویید شعاری می‌شود.

به نظر شما حضور در جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان به بیشتر دیده‌شدن این فیلم کمک می‌کند و اینکه باز هم کار در این فضا را ادامه می‌دهید؟

ابراهیم امینی: البته فیلم ما نوجوان است ولی خیلی‌ها جشنواره را به نام کودک می‌شناسند و به‌همین‌دلیل متأسفانه سینمای نوجوان دراین‌میان مغفول مانده است. این مسئله هم در جشنواره، هم در اکران رخ می‌دهد و کودک از نوجوان پررنگ‌تر است. ولی من علاقه بیشتری برای کار در فضای نوجوان دارم، البته این به آن معنا نیست که ایده‌ای برای فیلم بزرگ‌سال نداشته باشم. اتفاقا دوست دارم در این دو فضا کار کنم اما حتما به نوجوان برمی‌گردم و فیلم‌های بیشتری درباره آنها و برای آنها می‌سازم.

ستایش دهقان: خیلی دوست دارم که در فضای نوجوان کار کنم، چون خودم هم یک دهه‌هشتادی و نوجوان هستم، ولی چون نقش‌های خوب مثل مائده در «چشم بادومی» در فیلم‌های نوجوانان زیاد نیست، من در فیلم و سریال‌ها اکثرا نقش‌هایی بالاتر از سن خودم را بازی می‌کنم. باوجوداین اگر نقش‌های این‌چنینی پیشنهاد شود، حتما کار می‌کنم.

سجاد نصراللهی‌نسب: در دوران تهیه‌کنندگی این تجربه دوم است که در جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان، اثر دارم. تجربه اول من فیلم «در آغوش درخت» بود که در آنجا اول شد و امیدوارم این اتفاق برای فیلم «چشم بادومی» هم رخ دهد. اکران در آغوش درخت، در جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان خیلی اتفاق خوبی بود؛ آن‌هم فیلمی که مخاطبش کودک نبود و فیلم بزرگ‌سال محسوب می‌شد، ولی واکنش بچه‌ها به اتفاقات فیلم برایم جالب بود. بعد از اکران هم ما را دوره کرده بودند و راجع به اتفاقات رخ‌داده در کار با عوامل صحبت می‌کردند. با توجه به این استقبال از فیلم قبلی به نظرم چون «چشم بادومی» رویکرد و زمینه‌ای بر پایه زندگی نوجوان‌ها دارد، برای این جشنواره بهتر است و حتما جایگاه این فیلم جشنواره کودک و نوجوان است و باید دیده شود. رقیب جدی ما هم برای گرفتن جایزه فیلم «بچه مردم» است و این دو فیلم به نظرم در جشنواره بیشتر دیده می‌شوند.

در وضعیت فعلی که دور، دور فیلم‌های کمدی است و صرفا برخی آثار اجتماعی خاص و پربازیگر فروش خوبی کسب می‌کنند، چطور می‌توان به فروش فیلمی نوجوانانه امید داشت؟ ساخت این مدل فیلم‌ها چه چالش‌هایی دارد؟

سجاد نصراللهی‌نسب: درحال‌حاضر وضعیت سینما تغییر کرده است، بودجه یک فیلم مینی‌مال با درامی معمولی زیر ۱۷، ۱۸ میلیارد تومان نیست، اگر شما برای تولید فیلم سینمایی خیلی سرعت خوبی داشته باشید، ۵۰ روز فیلم‌برداری دارید. در این شرایط باید تجهیزات خوبی داشته باشید، چون مدیوم سینما تعریف خود را دارد، نمی‌توان از هر تجهیزاتی برای ساخت فیلم استفاده کرد. از طرف دیگر سینما قصه دارد و کار نویسنده برای نوشتن داستان زمان‌بر است. بعد نوبت به کارگردان می‌رسد که چطور آن ایده تصویر شود. دراین‌میان هم از عوامل می‌خواهیم تا دیده شود و فروش کند. اما همه چیز به اینجا خلاصه نمی‌شود. بعضی سوژه‌ها امروز مطرح می‌شود و تا خروجی به اکران برسد، دو سال طول می‌کشد و ممکن است در آن زمان دغدغه مخاطب فیلم تغییر کرده باشد. مثلا زمانی که ما می‌خواستیم «چشم بادومی» را تولید کنیم، تقریبا به همه اعضای شورای پروانه ساخت توضیح مفصل دادم که کی‌پاپ چیست. ما قرار است چه کار انجام دهیم، چرا این کار باید ساخته شود؟ باوجوداین موافقت نشد، چون همه فکر می‌کردند کی‌پاپ مختص بچه‌های مرفه بالای شهر است.

اخبار برگزیده

اعلام اسامی فیلم‌های مستند بخش ملی چهل‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران

اسامی فیلم‌های مستند پذیرفته‌شده بخش ملی چهل‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران اعلام شد. به گزارش ستاد اطلاع‌رسانی و ارتباطات چهل‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران، بر اساس گاه‌شمار، اسامی فیلم‌های پذیرفته‌شده مستند بخش ملی این دوره از جشنواره به شرح زیر اعلام شد:

۱ـ آبه/ سارا طالبیان/ تهران
۲ـ آستاره/ فاطمه حیدری/ شهرکرد
۳ـ بچه سوم/ سُرنا امینی/ مشهد
۴ـ براوو/ مهدی حسنلو/ زنجان
۵ـ پس از جنگ/ بارقه عربی/ تهران
۶ـ چیازاد/ مهرداد افتخاری/ کرمانشاه
۷ـ خانه/ عقیل جماعتی/ بوشهر
۸ـ دخترک/ فرزاد رضایی/ نورآباد ممسنی
۹ـ درس انار/ سجاد پرهیزکاری/ تبریز (راه‌یافته از جشنواره منطقه‌ای سینمای جوان تبریز - سهند)
۱۰ـ دریا مرا بس است/ امیرمحمد مریدی‌زاده و مرتضی نوابی/ بندرعباس
۱۱ـ دوتوک/ هادی ثابت شوکت‌آباد/ بیرجند
۱۲ـ روبارو/ امیر پذیرفته/ رفسنجان
۱۳ـ روضه‌ای برای دفاع/ زهرا میری/ قم
۱۴ـ رویای تامی/ دلاور دوستانیان/ تهران
۱۵ـ سرکوهی/ محمد ناصری‌راد/ شیراز
۱۶ـ شهر من، بی‌پرده/ احمد نورمحمدی/ ایلام
۱۷ـ صدای قدم‌های آب/ امیرهادی ملک‌اسماعیلی/ سمنان
۱۸ـ عکاسخانه/ مبین محمدی/ تهران
۱۹ـ مامان/ علی‌محمد صادقی/ تهران
۲۰ـ مزرع سبز فلک/ محمدهادی اسفندیاری و فرزانه حاتمی/ شیراز
۲۱ـ مقام دولا/ بهجت داودی/ بیرجند
۲۲ـ مندو/ جابر بادیاد/ یاسوج

اسامی اعضای هیئت‌های انتخاب و داوری چهل‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران در نشست رسانه‌ای دبیر جشنواره اعلام خواهد شد.چهل‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران با رویکرد «خِردمحوری و اندیشه‌ورزی» و به دبیری بهروز شعیبی از ۲۷ مهر تا ۲ آبان ۱۴۰۴ در پردیس سینمایی ایران‌مال تهران برگزار خواهد شد.

چین «محکوم به مرگ» را به اسکار ۲۰۲۶ معرفی کرد

کشور چین، فیلم «محکوم به مرگ» به کارگردانی شن ائو را به عنوان نماینده رسمی خود در بخش بهترین فیلم بین‌المللی نودوهشتمین جوایز اسکار معرفی کرد. به گزارش ایسنا، این فیلم که فیلم‌نامه آن توسط شن ائو، ژانگ کِه و شو لویانگ نوشته شده، در بستر تاریخی کشتار نانجینگ در سال ۱۹۳۷ روایت می‌شود و از رویدادهای مستند الهام گرفته است. داستان فیلم «محکوم به مرگ» درباره آ چانگ (با بازی لیو هائوران، ستاره مجموعه «کارآگاه محله چینی‌ها») است؛ یک پستچی که برای زنده‌ماندن در دوران اشغال ژاپن، خود را به‌جای یک عکاس جا می‌زند. او در استودیویی تحت کنترل نیروهای ژاپنی فعالیت می‌کند و در خفا سربازان و غیرنظامیان چینی را پناه می‌دهد. «محکوم به مرگ» از ۲۵ جولای در چین اکران شد و تاکنون بیش از سه میلیارد یوان (۴۱۵ میلیون دلار) فروش داشته است. این فیلم به مدت ۱۶ روز متوالی صدرنشین گیشه چین بود. چین تاکنون موفق به کسب جایزه اسکار در بخش بهترین فیلم بین‌المللی نشده است. این کشور فقط دو بار نامزد این جایزه شده؛ برای فیلم‌های «جو دو» (۱۹۹۱) و «قهرمان» (۲۰۰۳) هر دو ساخته ژانگ ییمو. در مقابل، هنگ‌کنگ که به‌طور مستقل نماینده معرفی می‌کند، تاکنون سه بار نامزد این بخش شده است: «فانوس قرمز را برافراز» (۱۹۹۲)، «خداحافظ معشوق من» (۱۹۹۴) و «روزهای بهتر» (۲۰۲۱). به گزارش ورایتی، چین سال گذشته مستند «غرق‌شدن لیسبون مارو» ساخته فانگ لی را به اسکار معرفی کرد، اما این اثر به دلیل رعایت‌نکردن الزامات زبانی از رقابت کنار گذاشته شد. آخرین مهلت ارسال آثار از سوی کشورها برای رقابت در شاخه بهترین فیلم بین‌المللی نودوهشتمین دوره جوایز سینمایی اسکار، اول اکتبر (۹ مهرماه) اعلام شده است و تاکنون ۷۸ کشور از جمله اسپانیا، فرانسه، کانادا، بلژیک، آلمان، نروژ، فلسطین، سوئد، سوئیس، جمهوری چک، تایوان، اوکراین، ترکیه و ایران فیلم‌های منتخب خود را به آکادمی معرفی کرده‌اند.